

روزنامه جمهوری و فرهنگ

تاسیسات و بنانه با بال و پاچه و تنه

ن لیگه رفاهیه

تورست

بیش معنوی ۲۳

مصطفی ملکیان

مشتاقی و مهجوری

گفت و گو در باب فرهنگ و سیاست

نشر نگاه معاصر

فهرست

- درآمد ۵
- رویکردهای متفاوت در تاریخ فلسفه‌نگاری ۷
- وضعیت تفکر در ایران معاصر ۶۵
- حوزه و دنیای جدید: ۹۷
- دویدن در پی آواز حقیقت ۱۳۵
- گفتاری در باب کلام جدید ۱۸۱
- هر کس خود باید به زندگی خویش معنا ببخشد ۲۰۹
- بحران اخلاق و معنویت ۲۳۹
- معنویت و محبت چکیده همه ادیان است ۲۷۵
- روشنفکری دینی و اصلاحات اجتماعی ۲۸۱
- هرمنیوتیک قرآن و تعارضهای عقل جدید و وحی ۳۰۱
- زن، مرد، کدام تصویر؟ ۳۲۳
- گفت و گو درباره حاکمیت دینی ۳۲۱
- فلسفه فقه ۳۶۳
- عقلانیت، دین، نواندیشی ۳۹۵
- چه باید بشود ۴۲۱

درآمد

درونمایه‌ی واحد و مشترک گفت‌وگوهایی که در این مجموعه گرد آمده‌اند ربط و نسبت سیاست و فرهنگ است. سیاست، چه آن را رقابتی بدانیم که افراد یا گروههایی که منافع متعارض دارند بر سر کسب قدرت و رهبری وارد آن میشوند، و چه آن را فعالیت‌هایی تلقی کنیم که غرض از آنها حکومت کردن یا تأثیر گذاشتن بر یک نظام حکومتی یا کسب و حفظ ضبط و مهار یک نظام حکومتی است، و چه آن را ارتباطاتی بینگاریم میان انسانهایی که دغدغه‌شان حکومت کردن یا تأثیر گذاشتن بر یک نظام حکومتی یا کسب و حفظ ضبط و مهار یک نظام حکومتی است، و چه آن را ارتباطات میان رهبران و غیر رهبران در یک جامعه محسوب داریم. در هر حال، با فرهنگ، به معنای مجموعه‌ی حالات ذهنی-روانی و اعمال فردی و اجتماعی انسانها، ربط و نسبت دارد؛ و این بدان معنا است که چند و چون اوضاع و احوال سیاسی هر جامعه با باورها، دانشها، فهمها، تصوّرات، تفکّرات، استدلالها، احساسات و عواطف، رؤیایها، تخیلات، توهمات، آرزوها، خواسته‌ها، تیات، کوششها، و اعمال یکایک افراد آن جامعه داد و ستد دارد؛ در آنها تأثیر میگذارد، از آنها تأثیر میپذیرد، آنها را مساعدت میکند، و با آنها معارضت مییابد؛ و بالعکس، مؤلفه‌های فرهنگی نیز همین گونه داد و ستدها را با اوضاع و احوال سیاسی دارند. هم سیاست به فرهنگ صورت و سیرت خاصی میبخشد و هم فرهنگ به سرشت و سرنوشت سیاست صبغه‌ای مخصوص میدهد.

درباب تأثیر و تأثر و مساعدت و معارضت دوجانبه‌ی سیاست و فرهنگ، آنچه بیشتر محلّ تأکید این قلم است اینست که آثار و نتایج هر عمل سیاسی یا هر نظام سیاسی فقط منحصر به قلمروهای اقتصاد و حقوق نمیشود، بلکه به حیطه‌های خانواده و تعلیم و تربیت نیز تسرّی مییابد و از مرز امور مربوط به

مادّیت و جسم هم درمیگذرد و به حوزه‌ی امور مربوط به معنویّت و جان و ذهن و روان پای مینهد. فردیترین، ژرفترین، و نهادیترین لایه‌های وجود آدمی نیز از دسترس آثار و نتایج اعمال سیاسی یا نظامهای سیاسی بعید و مصون نیست؛ یعنی، مثلاً، یک عمل سیاسی نادرست یا یک نظام سیاسی فاسد فقط ساختهای بیرونی و اجتماعی زندگی شهروندان را به تباهی و ویرانی نمیکشد، بلکه ساختهای درونی و فردی زندگی را نیز تباہ و ویران میکند و آدمی را حتّی از سلامت ذهنی-روانی و کمال اخلاقی هم محروم میدارد. از این رو، حتّی کسانی که فقط دلمشغولیهای شخصی دارند و همّ و غمّشان یکسره معطوف به سلامت ذهنی-روانی و کمال اخلاقی خودشان است از توجّه و حسّاسیّت نسبت به نهاد و سیاست گریز و گزیری ندارند.

اما، باز، مهمّتر از این جنبه‌های توصیفی و واقع‌نگرانه^۱ ربط و نسبت سیاست و فرهنگ جنبه‌های توصیه‌ای و ارزش‌نگرانه^۲ و هنجارگذارانه^۳ آن‌اند؛ و از این جنبه‌های توصیه‌ای آنچه از همه فوری و فوقی‌تر است اینست که سیاست را تابع اخلاق سازیم، نه اخلاق را طفیل سیاست. به تعبیر دقیقتر، نگذاریم که سیاست مبتنی بر عوامل مادّی و مصلحت‌اندیشانه، مبتنی بر واقعیات سیاسی، و مبتنی بر منافع گروهی، قدرت، زور، و خشونت^۴ اخلاق را در چنگ خود گیرد و آن را به هر شکلی که میخواهد درآورد؛ بلکه کاری کنیم که اهداف و آرمانهای اخلاقی و معنوی بر اعمال سیاسی حاکم شوند. به امید روزی که به بهانه‌ی عمل سیاسی عدالت و انصاف لگدمال منفعت و قدرت نشود و ماجرای اخلاق و سیاست، و فرهنگ و قدرت سیاسی، داستان مشتاقی و مهجوری نباشد.

1. factual

2. evaluative

3. normative

4. realpolitik